نشریه علمی مطالعات تفسیری
سال ۱۲، پاییز ۱۴۰۰، شماره ۴۷
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۴۴ ـ ۲۷

Scientific Journal
Commentary Studies
Vol. 12, Autumn 2021, No. 46
Scientific Research Article

بازشناسی تفسیری مفهوم قرآنی «قرض حسن»

عبدالهادی فقهی‌زاده*

چکیده

«قرض حسن» مفهومی عام‌تر از قرض‌الحسنه مصطلح است و به مبادلات مالی اختصاص ندارد و انفاق، صدقه، جهاد با مال و جان و آنچه را به قصد تقرّب به خدا به دیگری بخشیده و عوضی برای آن مطالبه نمی‌شود، در برمی‌گیرد. ازآنجاکه این مفاهیم در معامله با خدای متعال معنا پیدا می‌کنند، بازپس گرفتن عوض از افراد ذی‌نفع در آنها مطرح نیست. درعین‌حال، در روایات تفسیری مفهوم قرآنی «قرض حسن» در مفهوم قرض‌الحسنه امروزی نیز به‌کار رفته است؛ چنان‌که غالباً در معنای اعطای وام به دیگری در قبال برگرداندن آن بدون مطالبه سود استعمال شده و افزون بر آن به‌عنوان نمونه شامل مفهوم پرداخت صله به امام معصوم علیه السلام نیز شده است. به این ترتیب، این فرایند توانسته است مصداق جدیدی را در حُکم قرض حسن در کنار مصادیق قرآنی آن مانند: صدقه و انفاق بنشانَد و در عمل دایره مصادیق قرآنی «قرض حسن» را توسعه دهد.

واژگان کلیدی

آیات قرض حسن، تفسیر اقتصادی، قرض‌الحسنه، انفاق، صدقه، جهاد مالی و جانی.

* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران. faghhizad@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۶

طرح مسئله

معنای کلمات و عبارت‌ها در طول زمان تحوّل و تبدّل پیدا می‌کنند؛ چنان‌که در معنای واژه‌ها و اصطلاحات به‌کار رفته در قرآن کریم نیز تحول و تبدل اتفاق افتاده است؛ ازجمله تعبیر قرآنی «قرض حسن» که در اصطلاح امروزی کاملاً جنبه مالی دارد و به‌معنای پرداخت وجه و مبلغی از مال به کسی با توقع بازپس‌گیری و دریافت همان مبلغ پس از گذشت مدتی از زمان بدون بهره و سود مالی است؛ در صورتی که «قرض حسن» در قرآن کریم مصادیق دیگری دارد و مفهوم آن با مفهوم امروزی اندکی متفاوت است و این تعبیر و توسعه معنایی ـ مصداقی عمدتاً حاصل روایاتی است که پیرامون این مفهوم قرآنی و در ارتباط با آن از معصومان﵈ صادر شده است. بر این پایه سؤال پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: مفهوم قرآنی «قرض حسن» چیست و اثر روایات بر تضییق یا گسترش معنایی این مفهوم چه بوده است؟

پیش از این کتاب‌هایی درباره قرض‌الحسنه نظیر: کتاب ***قرض و قرض‌الحسنه (جایگاه آن در قرآن، حدیث و فرهنگ جاری جامعه)*** نوشته جواد بیک‌محمدی در سال ۱۳۹۱ش، انتشارات دانشگاه امام صادق﵇ و کتاب ***قرض‌الحسنه*** نوشته محمود شریفی در سال ۱۳۶۸ش، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی و مقالاتی با عنوان «حساب‌های قرض‌الحسنه اختصاصی راهکاری بهینه برای هدایت و مدیریت منابع قرض‌الحسنه در نظام بانکداری اسلامی» از سوی سیدعباس موسویان و علی راه‌نشین در شماره ۱۱ نشریه ***معرفت اقتصاد اسلامی***؛ «مدل‌سازی علل معوق شدن تسهیلات قرض‌الحسنه مهر ایران» نوشته ناصر جمشیدی و دیگران در شماره ۳ نشریه ***پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)***؛ «ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد (با استفاده از داده‌های پانل بین استانی)» نوشته اسماعیل ابونوری و افسانه قاسمی تازه آبادی در شماره ۲۸ نشریه ***اقتصاد اسلامی*** و مواردی دیگر از این قبیل منتشر و در آنها بیشتر به اهمیت و جایگاه قرض‌الحسنه در جامعه اسلامی پرداخته شده است؛ امّا در ضمن آنها به وقوع توسعه معنایی ـ مصداقی در این تعبیر قرآنی و نقش ائمه﵈ در ایجاد این تحوّل و تبدّل اشاره نشده است. ازاین‌رو ضروری است تا در پژوهشی مستقل به جوانب گوناگون این موضوع پرداخته شود. بر این اساس، در پژوهش حاضر نخست پس از بیان معنای لغوی قرض حسن، به تبیین سیاق آیات مشتمل بر این تعبیر در قرآن کریم پرداخته می‌شود و پس از آن سیر تحول و تبدل مصادیق این اصطلاح در روایات معصومان﵈ و تفاسیر قرآن کریم را به‌صورت گذرا تبیین می‌گردد.

مفهوم‌شناسی

۱. واژه «قرض»

واژه «القَرضُ» به‌معنای «قطع» و «بریدن» با دندان یا مثل آن است؛ چنان‌که قیچی کوچک را «المِقرَاضُ» و تکه‌هایی را که موش از نان یا لباس قطع می‌کند «القُرَاضَة» می‌گویند. (بنگرید به: فراهیدی، بی‌تا: ۵ / ۴۹؛ نیز: شیبانی، بی‌تا: ۳ / ۱۲۴؛ ازهری، بی‌تا: ۸ / ۲۶۶؛ صاحب بن عباد، بی‌تا: ۵ / ۲۵۰) چنان‌که راغب اصفهانی می‌نویسد: «قرض نوعی قطع کردن، عبور کردن و گذشتن است» (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۶۶۶) همچنین «قرض» در لغت به‌معنای اموری مانند «اعراض»، «بیزاری»، «جدایی کردن»، «بی‌گانگی» و «دوری گزیدن» که گاه بین مردم رخ می‌دهد نیز به‌کار رفته است، (فراهیدی، بی‌تا: ۵ / ۴۹) امّا چنان‌که در ***لسان العرب*** تصریح شده است، اصل آن در لغت به‌معنای قطع است (ابن‌منظور، ۷ / ۲۱۶) و می‌توان چنین برداشت کرد که این معانی به همان مفهوم بریدن بازمی‌گردند. افزون بر این «قریض» به‌معنای غصه گلوگیر و غم‌زدگی است. (فراهیدی، بی‌تا: ۵ / ۴۹) «قراضات» نیز به‌معنای بریده‌های لباس است. (همان) فعل «قَرَضَ» بسته به فاعل یا وضع جمله دارای معانی خاصی می‌شود؛ مانند «قَرَضَ فلان» یعنی «فوت کرد». (جوهری، بی‌تا: ۳ / ۱۱۰۱) «شعر» را نیز از آن جهت که بریده‌هایی از کلام است، «قَرِیض» گویند. (ازهری، بی‌تا: ۸ / ۲۶۸؛ زمخشری، بی‌تا: ۳ / ۹۱؛ همو، بی‌تا: ۱ / ۵۰۲؛ فیومی، بی‌تا: ۲ / ۴۹۷؛ مصطفوی، بی‌تا: ۹ / ۲۳۹) این ریشه سیزده بار در آیات قرآن کریم به‌کاررفته است که در اکثر موارد به‌صورت ترکیب «قَرضاً حَسَناً» است.

۲. واژه «حسن»

واژه «حَسَن»، صفت فعل «حَسُن» و مخالف «سَیئ» به‌معنای «قبیح» و «زشت» است. بنابراین در ترکیب « قرضاً حَسَناً»، «حَسَن» به‌معنای «زیبا» است. (فراهیدی، بی‌تا: ۳ / ۱۴۳؛ ابن درید، بی‌تا: ۱ / ۵۳۵؛ ازهری، بی‌تا: ۴ / ۱۸۳؛ صاحب بن عباد، بی‌تا: ۲ / ۴۸۷؛ ابن‌فارس، بی‌تا: ۲ / ۵۷)

«قَرض حَسَن» در آیات قرآن کریم

کاربردهای قرآنی «قرض حسن»

تعبیر «قَرضاً حَسناً»، در پنج سوره «مزمل»، «بقره»، «حدید»، «تغابن» و «مائدة» شش بار به شرح زیر به‌کاررفته است:

۱. سوره مزمل، آیه ۲۰

إِنَّ رَبَّكَ يعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنِي مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طائِفَةٌ مِنَ الَّذينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ يقَدِّرُ اللَّيلَ وَ النَّهارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتابَ عَلَيكُمْ فَاقْرَؤُا ما تَيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيكُونُ مِنْكُمْ مَرْضي وَ آخَرُونَ يضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَؤُا ما تَيسَّرَ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيراً وَ أَعْظَمَ أَجْراً وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

قرآن کریم در این آیه به اعمال صالحی ازجمله خواندن قرآن کریم در دل شب، سفر در راه خدا، جهاد در راه خدا، اقامه نماز و پرداخت زکات اشاره کرده است. قرار گرفتن «قرض حسن» در سیاق گفتگو از این اعمال مؤمنانه افزون بر اینکه جایگاه «قرض» را نشان می‌دهد، معانی دیگری را نیز با خود به همراه دارد؛ یعنی چنان‌که جهاد، دل‌بریدن از زندگی برای خداوند است یا چنان‌که شب‌زنده‌داری دل‌بریدن از خواب شیرین برای خداست، «قرض حسن» نیز «بریدن برای خدا» است و «قرض حسن» دل‌بریدن و چشم نداشتن به غیر خداست. بنابراین «قرض» تنها شامل مسائل مالی نیست؛ (بنگرید به: دینوری، ۱۴۲۴: ۲ / ۴۵۰؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۹ / ۸۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۶ / ۳۷۷) بلکه جهاد با جان نیز نوعی از قرض است و ذکر این امور در کنار یکدیگر گویای حضور آنها در حوزه معنایی «قرض حسن» است.

۲. سوره بقره، آیه ۲۴۵

مَنْ ذَا الَّذي يقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً كَثِيرَةً وَ اللَّهُ يقْبِضُ وَ يبْصُطُ وَ إِلَيهِ تُرْجَعُون.

قرار گرفتن این آیه در سیاق «آیات جهاد» نشان از ارتباط این دو مفهوم با یکدیگر دارد. در سوره بقره و پیش از آیه مورد بحث آمده است: «أَ لَمْ تر إِلَي الَّذينَ خَرَجُوا مِنْ دِيارِهِمْ وَ هُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْياهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَي النَّاسِ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يشْكُرُونَ * وَقاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۴۳ ـ ۲۴۴) در تناسب این آیات گفتنی است که آیه ۲۴۵ سوره بقره به انفاق مالی و آیه ۲۴۴ آن به انفاق جانی اشاره دارد. با توجه به آیاتی مانند «إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ » (انفال / ۷۲) یا آیهٔ «الَّذينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ» (توبه / ۲۰) «جهاد» در قرآن کریم

هم شامل «جهاد با جان» و هم «جهاد با مال» می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۰۷)؛ چنان‌که علامه طباطبایی می‌نویسد: «جهاد در راه خدا با جان و مال از لوازم ایمان واقعی به خدا و روز جزاست؛ چون چنین ایمانی آدمی را به تقوا وامی‌دارد و مؤمن به سبب داشتن چنین ایمانی نسبت به وجوب جهاد بصیرت به‌دست می‌آورد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۲۸۹) بنابراین مفهوم «جهاد»، «شمول معنایی» دارد و اگر چه حقیقت جهاد، بذل جان در راه خداست (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۴ / ۲۲۹) تقدم «جهاد با مال» می‌تواند دو وجه داشته باشد: نخست آنکه مخاطبان نسبت به «جهاد با مال» حضور ذهنی ندارند و ضروری است نسبت به «جهاد با جان» که با شنیدن کلمه جهاد به ذهن متبادر می‌شود بیشتر به «جهاد با مال» تأکید شود، (همان: ۱۰ / ۱۰۴) دوم آنکه تقدم ذکر «جهاد با مال» نسبت به «جهاد با جان» در آیه‌هایی که به این دو اشاره شده است (نساء / ۹۵؛ انفال / ۷۲؛ توبه / ۲۰؛ و ۴۱ و ۸۱؛ حجرات / ۱۵؛ صف / ۱۱) می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت فراوان «جهاد با مال» باشد. (جزایری، ۱۴۱۶: ۱ / ۲۵۴) به‌بیان‌دیگر «مجاهد» در راه خدا، از جان خویش و با «جهاد با مال» از بخشی از وجود خود می‌گذرد و آن را بدون چشم‌داشت دنیوی، به نیکویی به خداوند می‌بخشد.

۳. سوره حدید، آیه ۱۱

مَنْ ذَا الَّذي يقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَريمٌ.

پیش از آیه یازدهم در آیه دهم همین سوره، سخن از «انفاق» و سرزنش مخاطبان به علت سستی آنان در انجام ندادن این کار است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَ ما لَكُمْ أَلاَّ تُنْفِقُوا في سَبيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ ميراثُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ لا يسْتَوي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَلَ أُولئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قاتَلُوا وَ كُلاًّ وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْني وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبير» (حدید / ۱۰) آنگاه بعد از این آیه با طرح این سؤال که چه کسی است که به خداوند قرض دهد، مخاطبان را به انجام این عمل صالح برانگیخته است و در حقیقت «انفاق» و «جهاد» را نمونه‌هایی از «قرض حسن» معرفی کرده است و این هر دو را در حوزه معنایی «قرض حسن» قرار داده است، چنان‌که ماوردی، پنج قول را در توضیح قرض حسن آورده است: ۱. گفتن عبارت: «سبحان اللّه و الحمد لله و لا حول و لا قوة إلا بالله و اللّه أكبر»؛ ۲. نفقه به خویشاوندان؛ ۳. عبادت‌های داوطلبانه؛ ۴. اعمال خیر. (ماوردی، بی‌تا: ۵ / ۴۷۲)

٤. سوره حدید، آیه ۱۸

إِنَّ الْمُصَّدِّقينَ وَ الْمُصَّدِّقاتِ وَ أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يضاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَريمٌ.

در این آیه صدقه‌دهندگان مرد و زن را یاد می‌کند و آنان را قرض‌دهندگان به خدای متعال می‌خواند. بر این پایه پرداخت «صدقه» به نیازمندان نیز در حوزه معنایی «قرض حسن» قرار می‌گیرد.[۱] (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹ / ۲۴۳) برخی از مفسران نیز قرض حسن در این آیه را به‌طور مطلق در حوزه انجام نوافل دانسته‌اند. (قشیری، ۲۰۰۰: ۳ / ۵۴۰)

۵. سوره تغابن، آیه ۱۷

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يضاعِفْهُ لَكُمْ وَ يغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ.

خداوند در آیه شانزدهم همین سوره از انفاق و منافع آن سخن می‌گوید و می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ اسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ أَنْفِقُوا خَيراً لِأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُون» (تغابن / ۱۶) بر پایه سیاق این دسته از آیات قرآن کریم، همچون موارد قبل، «انفاق» در حوزه معنایی «قرض حسن» قرار می‌گیرد و با توجه به اینکه سخن از انفاق در راه خداست، می‌توان نتیجه گرفت که انفاق درراه خدا همان قرض‌دادن به خدای متعال است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۵۱۹) به بیان روشن‌تر برخلاف تصور رایج امروزی، قرض در قرآن کریم تنها به‌معنای پرداخت پول و بازپس گرفتن آن بعد از مدت مشخصی نیست؛ بلکه پرداخت پول بدون انتظار بازگشت آن از سوی فرد قرض‌گیرنده نیز نوعی از «قرض» است که به‌طور خاص به آن «انفاق» نیز گفته می‌شود. (ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹: ۲ / ۲۸۵)

٦. سوره مائده، آیه ۱۲

وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ ميثاقَ بنِي‌اسرائيل وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَي عَشَرَ نَقيباً وَ قالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاةَ وَ آتَيتُمُ الزَّكاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلي وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيئاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبيل.

---

۱. گروهی از مترجمان، صدقه‌دهندگان و قرض‌دهندگان به خدای متعال را جدا از یکدیگر دانسته‌اند (برای مثال ر.ک: ترجمه فولادوند از آیه ۱۸ سوره حدید) در مقابل گروهی دیگر از مترجمان، صدقه‌دهندگان و قرض‌دهندگان را یک گروه می‌دانند (برای مثال ر.ک: ترجمه آیتی از آیه ۱۸ سوره حدید) امّا باید دانست «مُصَدِّقین» و «مُصَدِّقات» اسم فاعل‌اند، از سوی دیگر این «ال» که بر سر اسم فاعل قرار گرفته است، موصوله و به معنای «الذی» است. بنابراین «واو» قبل از فعل «أَقرَضُوا» حرف عطف است که آن را به «المُصَدِّقین» و «المُصَدِّقات» عطف کرده است؛ یعنی فاعلِ فعل «أَقرَضُوا» داخل در «المُصَدِّقین» و «المُصَدِّقات» است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۲۸۵) براین پایه صدقه‌دهندگان و قرض‌دهندگان به خدا یک گروه‌اند. (بغوی، ۱۴۲۰: ۵ / ۳۱)

خدای متعال در این آیه از میثاق و پیمان خود و «بنی‌اسرائیل» سخن می‌گوید. بر این پایه «قَرض حَسَن» در ردیف اعمالی مانند: «برپاداشتن نماز»، «پرداخت زکات»، «ایمان به پیامبران﵈» و «یاری‌کردن آنان» قرار دارد که سیاق معنایی «قرض حسن» را شکل می‌دهد. از آنجا که همه این اعمال مربوط به رابطه میان انسان و خداوند است، می‌توان دریافت که «قرض» نیز معامله با خدا است و مفهومی عام دارد که در سایه مفهوم معامله با خدای متعال شناخته می‌شود.

تحلیل مفهومی آیات «قرض حسن»

از بررسی سبک بیانی خدای سبحان در آیات فوق آشکار می‌شود که اعمالی همچون «اقامه نماز»، «جهاد فی سبیل الله»، «ایمان به پیامبران الهی»، «انفاق» و «صدقه» در سیاق معنایی «قرض حسن» قرار دارند و مؤمنان با انجام این اعمال تنها با خدای متعال معامله می‌کنند و چشم‌داشتی به غیر او ندارند؛ چنان‌که خداوند نیز در همه این آیات، همواره خود را دریافت‌کننده «قَرض حَسَن» معرفی می‌کند؛ افزون بر آنکه در هیچ‌یک از این آیات، «قَرض حَسَن»، به‌معنای «قرض‌الحسنه» متداول امروزی (= وام دادن و توقع بازپس گرفتن آن) استعمال نشده است.

برخی از محقّقان بر این باورند که خدای متعال از ابتدا با نزول این آیات معنای «انفاق» یا «صدقه» را اراده نکرده است، بلکه «قرض» به‌معنای متداول آن در جامعه آن زمان نیز وجود داشته، ولی بعضاً با ربا مخلوط بوده و خداوند در این آیات تنها دو ویژگی به آن اضافه کرده است: نخست آنکه قرض باید «حسن» باشد؛ یعنی ربوی نباشد و دوم آنکه خود را گیرنده آن معرفی کرده است. (ر.ک: بیک محمدی، ۱۳۹۱: ۶۲) اما باید دانست که در فرایند «قرض» به‌معنای «وام و توقع بازپس‌گیری آن» نیز نوعی انفاق وجود دارد که عبارت است از چشم‌پوشی فرد قرض‌دهنده از دریافت سود و بهره مال و این انفاقی است که انجام می‌دهد؛ افزون بر آنکه در قرآن کریم ربا به کلّی مذمت شده است؛ چنان‌که در آیه «وَ ما آتَيتُمْ مِنْ رِباً لِيرْبُوَا فِي أَمْوالِ النَّاسِ فَلا يرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ ما آتَيتُمْ مِنْ زَكاةٍ تُريدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم / ۳۹) انجام آن مساوی جنگ با خدا و رسول او دانسته شده است[1] نه اینکه در منطق قرآن کریم ربا نوعی از انواع قرض

۱. الَّذينَ يَأْكُلُونَ الرِّبا لا يَقُومُونَ إِلاَّ كَما يَقُومُ الَّذي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطانُ مِنَ الْمَسِّ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا فَمَنْ جاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهى فَلَهُ ما سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عادَ فَأُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فيها خالِدُونَ * يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَ يُرْبِي الصَّدَقاتِ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثيمٍ * إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ

باشد و با نزول آیات «قرض» تنها مفهوم الهی بودن به آن افزوده شده باشد.

از سوی دیگر توجه به‌معنای «حَسَن» نشان می‌دهد که قرض به خودی خود عمل شایسته‌ای است که صفت «حَسَن» گرفته است؛ برخلاف ربا که هرگز عمل شایسته‌ای نیست تا به «حَسَن» وصف شود؛ چنان‌که از آیات قرآن کریم مانند آیه «یا أَیهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِکُمْ بِالْمَنِّ وَ الأَذي کَالَّذي ینْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ وَ لا یؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیوْمِ الآخِرِ ...» (بقره / ۲۶۴) نیز برمی‌آید که مقصود از «حَسَن» بودن قرض، عدم آزار رسانی قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده و ریاکاری قرض دهنده در جریان انجام آن است؛ نه اینکه ربوی نباشد؛ زیرا در قرآن کریم ربا به‌کلّی از دایره معنای قرض خارج است. همچنین در احادیث نبوی می‌توان شرط عدم آزار رساندن به قرض گیرنده و در تنگنا قرار ندادن او و سخت نگرفتن به او را ملاحظه کرد. (ر.ک: ابن‌بابویه، ۱۴۰۶: ۱۳۸) بر این پایه، «قرض حسن» در آیات قرآن کریم بر انفاق و امثال آن منطبق است که در آنها مؤمن با اخلاص و قصد قربت به خداوند با او معامله می‌کند و در این معامله ریا نمی‌کند و دیگران را با سخت‌گیری آزار نمی‌دهد.

توسعهٔ مفهوم «قَرض حَسَن» در روایات معصومان علیهم‌السلام

چنان‌که بیان شد در قرآن کریم و مقارن با عصر نزول «قرض حسن»، در سیاق اعمالی همچون «جهاد»، «صدقه»، «اقامه نماز»، «ایمان آوردن» و «نصرت پیامبران» آمده است که همه آنها معامله با خداوند است. سپس در مراحل دیگری از تاریخ اسلام در معنای «قرض حَسَن» توسعه معنایی رخ داده است. با بررسی اخبار و روایاتی که در جوامع حدیثی و کتب تفسیری نقل‌شده‌اند، چنین برداشتی تأیید می‌شود. توضیح آنکه روایات موجود در این زمینه را می‌توان در سه گروه کلّی دسته‌بندی کرد:

۱. اخبار و روایاتی که «قرض» در آنها به‌معنای لغوی به‌کاررفته است؛

۲. اخبار و روایاتی که «قَرض حَسَن» را در معانی قرآنی آن طرح کرده‌اند؛

۳. اخبار و روایاتی که در معنای «قَرض حَسَن» ـ در کنار معانی قرآنی آن ـ توسعه معنایی پدید آورده‌اند و آن را در معنای دادن مال به دیگری و بازپس‌گرفتن آن بدون سود و بهره پس از گذشت مدّت معینی به‌کار برده‌اند.

---

* یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِیَ مِنَ الرِّبا إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُؤُسُ أَمْوالِکُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ». (بقرهٔ / ۲۷۹ ـ ۲۷۵)

۱. کاربرد «قرض» در معنای لغوی

در دسته‌ای از روایات واژه «قَرض» و مشتقات آن در همان مفهوم لغوی به‌کاررفته‌اند. این کاربرد در روایات محدود به زمان خاصی نیست؛ برای مثال امام علی‌ؑ در ***نهج‌البلاغه*** خطاب به یکی از یاران خویش به نام نوف بکالی می‌فرماید: «... طُوبَي لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيا الرَّاغِبِينَ فِي الآخِرَةِ أُولَئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا الأَرْضَ بِسَاطاً وَ تُرَابَهَا فِرَاشاً وَ مَاءَهَا طِيباً وَ الْقُرْآنَ شِعَاراً وَ الدُّعَاءَ دِثَاراً ثُمَّ قَرَضُوا الدُّنْيا قَرْضاً عَلَي مِنْهَاجِ الْمَسِيحِ. ...»[۱] (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۸ / ۲۶۵)؛ چنان‌که در موضعی دیگر فرموده است: «وَ لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرَضِينَ كَانَتَا عَلَي عَبْدٍ رَتْقاً ثُمَّ اتَّقَي اللَّهَ لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجاً لا يؤْنِسَنَّكَ إِلاَّ الْحَقُّ وَ لا يوحِشَنَّكَ إِلاَّ الْبَاطِلُ فَلَوْ قَبِلْتَ دُنْيَاهُمْ لَأَحَبُّوكَ وَ لَوْ قَرَضْتَ مِنْهَا لَأَمَّنُوكَ».[۲] (سید رضی، ۱۴۱۴: ۱۸۸)

همچنین کلینی از امام باقرؑ نقل می‌کند که به نقل از قول امام سجادؑ فرمود: «... أَلا إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيا اتَّخَذُوا الأَرْضَ بِسَاطاً، وَ التُّرَابَ فِرَاشاً، وَ الْمَاءَ طِيباً، وَ قُرِّضُوا مِنَ الدُّنْيا تَقْرِيضاً ...»[۳] (کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۳۴۱) سخن امام سجادؑ به حدیث پیشین از امام علی‌ؑ بسیار نزدیک است؛ با این تفاوت که در سخن امام سجادؑ از حرف جرّ «مِن» استفاده شده و فعل «قَرض» نیز به‌صورت مجهول و در باب تفعیل به‌کار رفته است که معنای آن «از دنیا بریده شدن» است.

همچنین «ابن‌بابویه» در ***فقیه من لا یحضره الفقیه*** از امام صادقؑ نقل می‌کند که «بنی‌اسرائیل زمانی که نجاستی با بدنشان برخورد می‌کرد؛ آن قسمت از بدن خویش را با مقراض (=قیچی) قرض (= قطع) می‌کردند». (ر.ک: ابن‌بابویه، ۱۴۰۶: ۱ / ۱۰؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۵۶)[۴]

---

۱. «خوشا به حال زاهدان در دنیا، و دلدادگان به آخرت. آنان مردمی هستند که زمین را فرش و خاکش را بستر و آبش را شربت خوشگوار قرار دادند، قرآن را لباس دل و دعا را جامه رو کرده و دنیا را بر طریق مسیح از خود بریدند ...» این ترجمه و ترجمه‌های دیگر از ***نهج البلاغه***، از ترجمه ***نهج البلاغه*** به قلم حسین انصاریان برای خوانندگانی که با زبان عربی آشنایی کمتری دارند، أخذ شده است و به منزلهٔ تأیید آن نیست.

۲. «اگر آسمان‌ها و زمین‌ها به روی بنده‌ای بسته شوند ولی او تقوا بورزد، خداوند راهی برای نجات او باز می‌کند. مبادا جز حق تو را مونس شود و جز باطل تو را به وحشت اندازد. اگر دنیای آنان را قبول می‌کردی دوستت می‌داشتند و اگر مقداری از دنیا را به خود اختصاص می‌دادی تو را امان می‌دادند»

۳. سند عبارت در ***الکافی*** به این شرح است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَي، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسي، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍؑ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِؑ» با توجه به کتب رجالی سند روایت صحیح است. (ر.ک: خویی، ۱۴۰۹: ذیل هر راوی؛ کشی، ۱۳۸۹: ۴۸۶)

۴. با توجه به آنچه در کتاب ***تفسیر علی بن ابراهیم قمی*** ذکر شده است در این روایت نقل به‌معنا رخ داده است و مقصود قطع کردن بخشی از بدن که نجس شده نیست، بلکه مقصود بریدن و دوری کردن است. توضیح آنکه در

۲. کاربرد «قرض حَسَن» در معانی قرآنی

در دسته‌ای دیگر از روایات «قرض حسن» در همان معانی قرآنی آن به‌کار رفته است:

یک. انفاق

ازجمله این اخبار، خبری درباره «ابودحداح» است. او با نزول آیه ۲۴۵ سوره بقره، زمین خود را به پیامبر اکرمﷺ می‌دهد. (ر.ک: سمرقندی، بی‌تا: ۱ / ۱۶۰؛ بن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۲ / ۴۶۰) همچنین از ابن عباس نقل‌شده است که زمانی که این آیه نازل شد یهودیان به پیامبر اکرمﷺ مراجعه کردند و گفتند آیا پروردگار تو فقیر است که از بندگان خویش قرض (= صدقه) می‌خواهد سپس آیه «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِياءُ» (آل‌عمران / ۱۸۱) نازل شد. (ر.ک: ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۲ / ۴۶۰) همچنین در نقل دیگری «ابودحداح» به پیامبر اکرمﷺ عرضه می‌کند که «أرنی یدک یا رسول الله فناوله یده قال فانی قد أقرضت ربی حائطی؛ ای پیامبر دست خود را نشانم بده، بعدازاینکه پیامبر اکرمﷺ دست خود را به او می‌دهد ابودحداح می‌گوید من زمین خود را به خدا قرض دادم (= انفاق کردم)» نقل‌های دیگری با همین مضمون از طرق عامه نقل‌شده است که بسیاری از آنها از سوی آنان صحیح دانسته شده است.[۱] (ر.ک: ترمذی، ۱۴۰۳: ۴ / ۲۹۳؛ دارقطنی، ۱۴۱۷: ۴ / ۱۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۱۲)؛ چنان‌که از عمر بن خطاب نیز نقل شده است که قرض حسن، نفقه در راه خدا است. (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۲ / ۴۶۱)

از امام علیؑ نیز دو روایت نقل‌شده است که به قرض دادن به خداوند مربوط است و در هر دو مراد از قرض دادن انفاق در راه خداست:

یک. «وَ خُذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَي أَنْفُسِكُمْ وَ لا تَبْخَلُوا بِهَا عَنْهَا فَقَدْ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «إِنْ

کتاب تفسیر قمی ذیل آیه ۱۵۷ از سوره اعراف چنین آمده است: «إذا أصاب شیئا من بدنه البول قطعوه» (قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۲۴۲) یعنی در عبارت ***فقیه من لا یحضره الفقیه*** (= كَانَ بَنُو إِسْرَائِيلَ إِذَا أَصَابَ أَحَدَهُمْ قَطْرَةُ بَوْلٍ قَرَضُوا لُحُومَهُمْ بِالْمَقَارِيضِ ...) کلمهٔ «قرض» در اصل «قطعوه» بوده که ضمیر منصوب «هـ» (مفرد مذکر غائب) به فردی بازمی گردد که نجاست به بدنش رسیده و ضمیر مرفوع «واو» (جمع مذکر غائب) به مردم اطراف آن شخص بازمی‌گردد و مقصود کناره‌گیری و دوری کردن مردم از فردی است که به نجاست آلوده شده است؛ یعنی مردم از آن فرد می‌بریدند و از او دوری می‌کردند.

با این همه اما مقصود نگارنده اشاره به کاربرد لغوی واژه «قرض» است و حتی بر فرض مجعول و ساختگی بودن محتوا و مضمون روایت مذکور، همچنان می‌توان برای شناخت کاربرد معنای لغوی واژه به آن مراجعه کرد و تصحیف و تحریف مذکور یعنی جایگزینی «قطع» با «قرض» خود مؤید کاربرد معنای لغوی «بریدن» برای «قرض» است.

۱. تذکر این نکته ضروری است که پرداخت نفقه به پیامبر اکرمﷺ و دریافت آن از سوی آن جنابﷺ برای رفع حوائج فقراء جامعه بوده و به معنای فقر ایشان نیست. (برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۳)

تَنْصُرُوا اللَّهَ ينْصُرْكُمْ وَ يثَبِّتْ أَقْدامَكُمْ» وَ قَالَ تَعَالَي: «مَنْ ذَا الَّذِي يقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» فَلَمْ يسْتَنْصِرْكُمْ مِنْ ذُلٍّ وَ لَمْ يسْتَقْرِضْكُمْ مِنْ قُلٍّ اسْتَنْصَرَكُمْ وَ لَهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ اسْتَقْرَضَكُمْ وَ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرْضِ وَ هُوَ الْغَنِي الْحَمِيدُ وَ إِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يبْلُوَكُمْ أَيكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً فَبَادِرُوا بِأَعْمَالِكُمْ تَكُونُوا مَعَ جِيرَانِ اللَّهِ فِي دَارِهِ».[1] (سید رضی، ۱۴۱۴: ۲۶۷)

دو. «إِنَّ الْمَرْءَ إِذَا هَلَكَ قَالَ النَّاسُ مَا تَرَكَ وَ قَالَتِ الْمَلائِكَةُ مَا قَدَّمَ لِلَّهِ آبَاؤُكُمْ فَقَدِّمُوا بَعْضاً يكُنْ لَكُمْ قَرْضاً وَ لا تُخْلِفُوا كُلاًّ فَيكُونَ فَرْضاً عَلَيكُمْ».[2] (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۲۰)

در ***نهج‌البلاغه*** از امام علی﵇ نقل‌شده است که فرمود: «وَ إِذَا وَجَدْتَ مِنْ أَهْلِ الْفَاقَةِ مَنْ يحْمِلُ لَكَ زَادَكَ إِلَي يوْمِ الْقِيامَةِ فَيوَافِيكَ بِهِ غَداً حَيثُ تَحْتَاجُ إِلَيهِ فَاغْتَنِمْهُ وَ حَمِّلْهُ إِياهُ وَ أَكْثِرْ مِنْ تَزْوِيدِهِ وَ أَنْتَ قَادِرٌ عَلَيهِ فَلَعَلَّكَ تَطْلُبُهُ فَلا تَجِدُهُ وَ اغْتَنِمْ مَنِ اسْتَقْرَضَكَ فِي حَالِ غِنَاكَ لِيجْعَلَ قَضَاءَهُ لَكَ فِي يوْمِ عُسْرَتِكَ».[3] (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۹۸)

در روایت نخست، امام علی﵇ علت قرض گرفتن خداوند از بندگان را آزمایش کردن آنان از سوی خداوند می‌داند و توضیح می‌دهد که خداوند بی‌نیاز مطلق است. در روایت دوم نیز امام علی﵇ مردم را برای دادن قرض به خداوند تشویق کرده است.

دو. کمک به رفع حوائج روزانه مؤمنان

ابو بصیر از امام صادق﵇ در مقام ذکر معنای «ماعون» در آیه: «وَ يمْنَعُونَ الْماعُونَ» (ماعون / ۷)

---

۱. بدن‌ها را فدای جان‌ها کنید و در این راه بخل نورزید، که خداوند سبحان فرموده: «اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری می‌کند و قدم های شما را استوار می‌دارد» و نیز فرموده: «کیست که به خداوند وام نیکو دهد که خدا آن را برایش به چند برابر باز گرداند و به خاطر این وام برای او اجر کریم است». خداوند از روی ذلّت از شما یاری نخواسته، و به خاطر کمی مال قرض نطلبیده، از شما یاری خواسته در حالی که جنود آسمان‌ها و زمین از اوست و او غالب و حکیم است، از شما وام طلبیده در صورتی که مالک خزائن آسمان‌ها و زمین بوده و بی‌نیاز و ستوده است، همه اینها به خاطر آزمایش شماست که کدامتان دارای بهترین عمل هستید. پس به سوی اعمال پسندیده بشتابید تا در بهشت با همجواران خدا باشید، انسان وقتی از دنیا می‌رود مردم می‌گویند: (از ثروت) چه گذاشت و فرشتگان می‌گویند: (از عبادت) چه فرستاد خدا پدرانتان را خیر دهد، مقداری پیش فرستید که در آخرت به سود شماست، و تمام آنچه را دارید پس از خود به جا نگذارید که به زیان شماست.

۲. انسان وقتی از دنیا می‌رود مردم می‌گویند: (از ثروت) چه گذاشت و فرشتگان می‌گویند: (از عبادت) چه فرستاد خدا پدرانتان را خیر دهد، مقداری پیش فرستید که در آخرت به سود شماست و تمام آنچه را دارید پس از خود به جا نگذارید که به زیان شماست.

۳. اگر محتاجی را یافتی که قدرت بر دوش نهادن زاد و توشه‌ات را تا قیامت دارد و در فردای محشر که به آن توشه نیازمند شدی در اختیارت بگذارد، وجودش را غنیمت بدان و زاد و توشه‌ات را بر دوشش بگذار و در حالی که قدرت اضافه کردن زاد و توشه را بر دوشش داری تا بتوانی اضافه کن، چه بسا با از دست رفتن فرصت، چنین شخصی را بجویی و نیابی. به روز داشتن دارایی اگر کسی از تو وام خواست وامش ده تا در روز تنگدستی‌ات ادا کند.

نقل می‌کند که فرمود: «هُوَ الْقَرْضُ يقْرِضُهُ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۹۹) سماعة بن مهران نیز نقل می‌کند که از امام‌ﷺ درباره آیه ۲۰ سوره مزمل سؤال کرد و ایشان فرمود که: «سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً» قَالَ: هُوَ غَيرُ الزَّكَاة» (قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۳۹۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۹۸) نکته قابل‌توجه آنکه ائمه‌ﷺ گاه بدون به‌کار بردن فعل «قَرض» و مشتقات آن به اهمّیت رواج این عمل در میان مسلمانان اشاره کرده‌اند، برای مثال: از امام حسین‌ﷺ نقل‌شده است که فرمود: «اعْلَمُوا أَنَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيكُمْ، فَلا تَمَلُّوا النِّعَمَ فَتَحُوزُوا نِقَماً» (حلوانی، ۱۴۰۸: ۸۱) یعنی «نیازهای مردم به شما از نعمت‌های خداوند بر شماست، هرگز از آن خسته و غمگین نشوید وگرنه به نقمت و بلا تبدیل می‌شود»؛ با علم به این نکته که بی‌تردید یکی از راه‌های رفع آن نیازها کمک به رفع حوائج روزانه آنان از طریق گوناگون است.

۳. کاربرد «قرض حسن» در معانی جدید

در برخی از روایات نسبت به کاربرد قرآنی «قرض حسن» توسعه معنایی ایجاد شده است:

یک. صله به امام معصوم‌ﷺ

در دسته‌ای دیگر از اخبار و روایات، معصومان‌ﷺ در مفهوم «قَرض حَسَن» توسعه ایجاد کرده‌اند. در این روایات «قرض حسن» در آیات قرآن کریم به «صله به امام معصوم‌ﷺ» تفسیر شده است؛ چنان‌که از امام صادق‌ﷺ در جوامع حدیثی و کتب تفسیری نقل‌شده است که در آن «قَرضاً حَسَناً» را در ضمن قرائت آیه ۲۴۵ سوره بقره، ضمن سوگند خودن آن را بخشش به امام می‌دانند: «مَا مِنْ شَيءٍ أَحَبَّ إِلَي اللَّهِ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرَاهِمِ إِلَي الإِمَامِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَيجْعَلُ لَهُ الدِّرْهَمَ فِي الْجَنَّةِ مِثْلَ جَبَلِ أُحُدٍ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَي يقُولُ فِي كِتَابِهِ «مَنْ ذَا الَّذِي يقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً كَثِيرَةً» قَالَ: هُوَ وَ اللَّهِ فِي صِلَةِ الإِمَامِ خَاصَّة» (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۳۷؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۶: ۹۹؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۲۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۵۰۳) کلینی بابی را با عنوان «بَابُ صِلَةِ الإِمَامِ‌ﷺ» به احادیثی با این مضمون اختصاص داده است. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۳۷)

از امام موسی کاظم‌ﷺ نیز نقل‌شده است که در معنای «قرض حسن» در آیه ۲۴۵ سوره بقره، آن را صله به امام دانسته است (قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۳۵۱) و درباره آیه ۱۱ سوره حدید فرمود که «قَرض»، «فِي قَوْلِهِ تَعَالَي «مَنْ ذَا الَّذِي يقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» قَالَ: صِلَةُ الإِمَامِ فِي دَوْلَةِ الْفَسَقَة». (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۳۰۲)

در روایت دیگری اصحاب امام صادق‌ﷺ درباره مفهوم آیه ۱۱ سوره حدید سؤال می‌کنند و امام‌ﷺ در

پاسخ می‌فرماید: «... قَالَ ذَاكَ صِلَةُ الرَّحِمِ وَ الرَّحِمُ رَحِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ خَاصَّةً». (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۳۳) «بخشش به خویشاوندان است و خویشاوندان تنها خویشاوندان پیامبر اکرم ﷺ هستند».

در روایت دیگری از امام صادق ؑ نقل‌شده است که علت قرض گرفتن خداوند از بندگان برای رفع احتیاج خداوند نیست؛ بلکه تمام حقوق خداوند تنها متعلق به ولی او است. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۳۷) همچنین در روایاتی از ائمه ؑ ثواب چنین قرضی سنگین‌تر از کوه احد دانسته شده است. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۳۷)

دو. قرض‌الحسنه

پیامبر اکرم ﷺ و ائمه ؑ مردم را به دادن قرض به یکدیگر آن‌هم در معنای «اصطلاحی» آن دعوت نموده‌اند، برای مثال از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که: «الصَّدَقَةُ بِعَشَرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةَ عَشَرَ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۰)؛ صدقه ده ثواب دارد ولی قرض هجده ثواب.» در این روایت ضمن اشاره به ثواب بیشتر قرض دادن نسبت به صدقه دادن به وضوح این دو مفهوم از یکدیگر تفکیک شده‌اند. به علاوه این دسته از روایات شامل توصیه‌هایی از سوی مقام عصمت پیرامون سهل‌گیری در بازپس‌گیری «قرض»، توجه به بازپرداخت به‌موقع آن و مواردی از این دست می‌شوند. چنان‌که از پیامبر اکرم ﷺ در همین ارتباط نقل شده است که فرمود: «مَنْ أَقْرَضَ مُؤْمِناً قَرْضاً يَنْظِرُ بِهِ مَيسُورَهُ كَانَ مَالُهُ فِي زَكَاةٍ وَ كَانَ هُوَ فِي صَلاةٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ حَتَّي يؤَدِّيه» (حر عاملی، ۱۸ / ۳۳۰) همچنین برای مثال از طریق عامه از پیامبر اکرم ﷺ نقل‌شده است که فرمود: «... وَ مَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَقْرَضَهُ وَزْنَ جَبَلِ أُحُدٍ وَ جِبَالِ رَضْوَي وَ طُورِ سَيْنَاءَ حَسَنَاتٌ فَإِنْ رَفَقَ بِهِ فِي طَلَبِهِ يعْبُرُ بِهِ عَلَي الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ اللاَّمِعِ بِغَيرِ حِسَابٍ وَ لا عَذَاب ...». (ر. ک: ابن‌بابویه، ۱۴۰۶: ۲۸۹) و نیز نقل شد که فرمود: «أَلْفُ دِرْهَمٍ أُقْرِضُهَا مَرَّتَينِ أَحَب إِلَي مِنْ [أَنْ] أَتَصَدَّقَ بِهَا مَرَّةً وَ كَمَا لا يحِلُّ لِغَرِيمِكَ أَنْ يمْطُلَكَ وَ هُوَ مُوسِرٌ فَكَذَلِكَ لا يحِلُّ أَنْ تُعْسِرَهُ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مُعْسِر» (ر.ک: ابن‌بابویه، ۱۴۰۶: ۱۳۸) همچنان‌که از امام صادق ؑ در معنای برتری قرض دادن به‌معنای پرداخت مال برای مدتی معلوم و بازپس گرفت آن نسبت به صدقه یا انفاق نقل شده است که فرمود: «لأَنْ أُقْرِضَ قَرْضاً أَحَبُّ إِلَي مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِمِثْلِه» یا «مَا مِنْ مُسْلِمٍ أَقْرَضَ مُسْلِماً قَرْضاً حَسَناً يرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلاَّ حُسِبَ لَهُ أَجْرُهَا كَحِسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّي يرْجِعَ إِلَيه» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸ / ۳۳۰)

دیدگاه مفسران دربارهٔ «قَرضاً حَسَناً»

می‌توان توسّع ایجاد شده در معنای «قرض حسن» را در سخن مفسران قرآن کریم نیز دنبال کرد. اهمّ دیدگاه آنان در تعریف «قرض حسن» در آیات قرآن کریم به قرار زیر است:

۱. جهاد با بذل جان

برخی «قرض حسن» را به‌معنای جهاد با بذل جان در راه خدا دانسته‌اند. (طوسی، بی‌تا: ۲ / ۲۸۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۹۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۶ / ۵۰۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱ / ۲۳۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۱ / ۳۷۵)

۲. اعطای مالی به دیگری بدون دریافت معادل آن با هدف کسب ثواب آن از سوی خدا (= انفاق / صدقه)

برخی «قرض» را نفقه و صدقه می‌دانند. (طبری، ۱۴۱۲: ۲ / ۳۷۲؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۲ / ۴۶۱؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۲ / ۱۶۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۷۷) «یقْرِضُ اللَّهَ» المراد: یتصدق لوجه اللّه». (حجازی، بی‌تا، ۱ / ۱۶۰؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۴۳۶؛ کاشانی، بی‌تا، ۲ / ۵۴)

۳. اعطای مالی به دیگری و دریافت معادل آن پس از گذشت مدتی

برخی «قَرض» را چنین تعریف کرده‌اند: جداکردن بخشی از مال و دادن آن به دیگری به این شرط که پس از مدتی آن را به مرور زمان یا یک‌جا بازگرداند (ر.ک: ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۰ / ۲۹۵؛ طوسی، بی‌تا: ۲ / ۲۸۵؛ راغب اصفهانی، بی‌تا: ۶۶۶؛ ابن ادریس، ۱۴۰۹: ۲ / ۳۲۹) یا جدا کردن قسمتی از مال و دادن آن به شخصی [است] که در موعد مقرر عین یا قیمت آن را بپردازد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۰۸؛ رازی، ۱۴۲۰: ۶ / ۵۰۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۵۰؛ جعفری، ۱۳۷۶: ۱ / ۵۶۱)

گروهی از مفسران نیز در توضیح مفهوم «قَرض حَسَن» بیان می‌کنند که قرض برای «حَسَن» بودن آن، باید بدون منت، آزار و اذیت، بدون رنجاندن و آسیب رساندن روانی و جسمی باشد. همچنین باید به دور از ریا و هرگونه ظاهرسازی که قصد غیر خدا را سبب شود، صورت گیرد. از دیدگاه این مفسران «قَرض حَسَن» باید در شرایط سالم روانی و معنوی به افراد نیازمند پرداخت شود. (ر.ک: سمرقندی، بی‌تا: ۳ / ۴۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۰۸؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۱ / ۲۲۱)

نتیجه

۱. حوزه معنایی «قرض حسن» در قرآن کریم شامل مفاهیم «اقامه نماز»، «صدقه دادن»، «جهاد»، «ایمان آوردن» و «انفاق» است: به بیان دیگر قرض در قرآن کریم از سنخ مفاهیمی نظیر انفاق است، نصرت پیامبران الهی و جهاد در راه خداست که این اعمال همه معامله با خداوند هستند. قرض در این حوزه با بازپس‌گرفتن به عین یا بخشی افزودنی یا بخشی کاستنی همراه نیست. هرچند که پاداش همه این اعمال نزد خداوند محفوظ است.

۲. اخبار و روایات درباره «قرض» و «قرض حسن» به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند.

یک. اخبار و روایاتی که «قرض» در آنها به‌معنای لغوی آن به‌کاررفته است؛

دو. اخبار و روایاتی که «قَرض حَسَن» را در همان معنای اصطلاح قرآنی آن و بدون ایجاد توسعه معنایی استفاده کرده‌اند؛

سه. اخبار و روایاتی که بر فرض صدور از زمان پیامبر اکرمﷺ و پس از ایشان در زمان ائمه معصومﷺ در معنای «قَرض حَسَن» توسعه معنایی ایجاد کرده و آن را در معنای دادن مالی به کسی درراه خداوند با توقّع باز پس‌گیری آن پس از مدتی بدون بهره و سود به‌کاربرده‌اند. بر این پایه بنیان‌گذار این مفهوم برای قرض پیامبر اکرمﷺ است، به بیان دیگر ایشان این مفهوم جدید را در کنار «قرضاً حسناً» قرآنی به کار بردند تا قرض در مفهوم جدید یعنی «پرداخت مالی به دیگری در راه خداوند با توقع بازپس‌گرفتن آن پس از مدتی بدون بهره و سود» را نوعی قرضاً حسناً حُکمی معرفی کنند.

۳. از بررسی روایات و اخبار به‌دست آمد که در معنای قرآنی «قرض حسن» (= هر عمل خیری شامل نمازخواندن، صدقه، انفاق و جهاد فی سبیل الله) توسعه معنایی به‌صورت معرفی مصداق‌های حُکمی رخ داده است و مصداق‌های دیگری همچون «پرداخت مال معینی به دیگری در راه خدا با قصد استرداد عین آن مال» یا «صله به امامﷺ» در حُکم قرض در کنار مصادیق پیشین «قَرض حَسَن»، معرفی شده است؛ به بیان دیگر متکلم (در اینجا خدای تبارک و تعالی) از نزول قرآن کریم این مصادیق را نیز در نظر داشته و معصومانﷺ به‌عنوان فاهم اصلی و درست قرآن کریم در زمان و مکانی مشخص این مصادیق را آشکار کرده‌اند.

منابع و مآخذ

ـ ***قرآن کریم***، ۱٤۱۵ ق، ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

ـ ***نهج‌البلاغة***، ۱٤۱٤ ق، محمد بن حسین شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.

ـ آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۷٤، ***ترجمه قرآن***، تهران، سروش، چ ٤.

ـ ابن عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام، ۱٤۲۹ ق، ***تفسیر العز بن عبدالسلام***، بیروت، دار الکتب العلمیة.

ـ ابن‌ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱٤۱۹ ق، ***تفسیر القرآن العظیم***، تحقیق اسعد محمد الطیب، عربستان، مکتبة نزار مصطفی الباز، چ ۳.

ـ ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱٤۰٤ ق، ***شرح نهج البلاغة***، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبة آیت‌الله المرعشی النجفی.

ـ ابن‌ادریس، محمد بن احمد، ۱٤۰۹ ق، ***المنتخب من تفسیر القرآن و النکت المستخرجة من کتاب التبیان***، تحقیق مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
ـ ابن‌بابویه قمّی، محمد بن علی، ۱٤۰٦ ق، ***ثواب الاعمال و عقاب الاعمال***، قم، دار الشریف الرضی، چ ۲.
ـ ابن‌جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱٤۲۲ ق، ***زاد المسیر فی علم التفسیر***، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الکتاب العربی.
ـ ابن‌درید، محمد بن حسن، بی‌تا، ***جمهرة اللغة***، بیروت، دار العلم للملایین.
ـ ابن‌عاشور، محمدطاهر، ۱٤۲۰ ق، ***تفسیر التحریر و التنویر***، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
ـ ابن‌فارس، احمد، بی‌تا، ***معجم مقاییس اللغة***، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
ـ ازهری، محمدبن احمد، بی‌تا، ***تهذیب اللغة***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
ـ استرآبادی، علی، ۱٤۰۹ ق، ***تأویل آلآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة***، تحقیق حسین استادولی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
ـ انصاری، حسین، ۱۳۷۸، ***ترجمه نهج البلاغه***، تهران، پیام آزادی.
ـ بحرانی، سید هاشم، ۱٤۱٦ ق، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، تهران، بنیاد بعثت.
ـ بغوی، حسین بن مسعود، ۱٤۲۰ ق، ***معالم التنزیل فی تفسیر القرآن***، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
ـ بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱٤۱۸ ق، ***انوار التنزیل و اسرار التاویل***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
ـ بیک‌محمدی، جواد، ۱۳۹۱، ***قرض و قرض‌الحسنه*** (جایگاه آن در قرآن، حدیث و فرهنگ جاری جامعه)، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
ـ ترمذی، محمد، ۱٤۰۳ ق، ***السنن***، تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دار الفکر، چ ۲.
ـ ثعلبی، احمد بن محمد، ۱٤۲۲ ق، ***الکشف و البیان***، تحقیق ابومحمد ابن‌عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
ـ جزایری، ابوبکر جابر، ۱٤۱٦ ق، ***ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر***، مدینة منورة، مکتبة العلوم و الحکم.
ـ جصاص، احمد بن علی، ۱٤۰۵ ق، ***احکام القرآن***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
ـ جعفری، یعقوب، ۱۳۷٦، ***تفسیر کوثر***، قم، هجرت.
ـ جوهری، اسماعیل بن حماد، بی‌تا، ***الصحاح***، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.

ـ حرعاملی، محمد بن حسن، ۱٤۰۹ ق، ***تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة***، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
ـ حلوانی، حسین بن محمد، ۱٤۰۸ ق، ***نزهة الناظر و تنبیه الخاطر***، قم، مدرسة الامام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.
ـ حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱٤۱۵ ق، ***تفسیر نورالثقلین***، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چ ٤.
ـ خویی، سید ابوالقاسم، ۱٤۰۹ ق، ***معجم رجال الحدیث***، بیروت، مدینة العلم، چ ٤.
ـ دارقطنی، علی بن عمر، ۱٤۱۷ ق، ***سنن الدار قطنی***، تحقیق مجدی بن منصور سید الشوری بیروت، دار الکتب العلمیة.
ـ دینوری، عبدالله بن محمد، ۱٤۲٤ ق، ***تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
ـ رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱٤۲۰ ق، ***مفاتیح الغیب***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
ـ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی‌تا، ***مفردات ألفاظ القرآن***، بیروت، دار القلم.
ـ زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱٤۰۷ ق، ***الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأ ویل فی وجوه التأویل***، بیروت، دار الکتاب العربی، چ ۳.
ـ زمخشری، جارالله محمود بن عمر، بی‌تا، ***اساس البلاغة***، بیروت، دار صادر.
ـ زمخشری، جارالله محمود بن عمر، بی‌تا، ***الفائق فی غریب الحدیث***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
ـ سمرقندی، نصر بن محمد، بی‌تا، ***بحرالعلوم***، بی‌جا، بی‌نا.
ـ سیوطی، جلال‌الدین، ۱٤۰٤ ق، ***الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور***، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
ـ شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳٦۳، ***تفسیر اثنی عشری***، تهران، میقات.
ـ شیبانی، اسحاق بن مرار، بی‌تا، ***کتاب الجیم***، تحقیق ابراهیم ابیاری، قاهره، الهیئة العامه لشئون المطابع الامیریة.
ـ صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، بی‌تا، ***المحیط فی اللغة***، تحقیق محمدحسن آل‌یاسین، بیروت، عالم الکتب.
ـ طباطبایی، سید محمدحسین، ۱٤۱۷ ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
ـ طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸ م، ***التفسیر الکبیر التفسیر القرآن العظیم***، اردن، دار الکتاب الثقافی.
ـ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ***مجمع البیان لعلوم القرآن***، تهران، ناصرخسرو، چ ۳.

ـ طبری، محمد بن جریر، ١٤١٢ ق، ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار المعرفة.
ـ طوسی، محمد بن حسن، ١٤٠٧ ق، ***تهذیب الاحکام***، تحقیق حسن الموسوی خرسان، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ ٤.
ـ طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
ـ فراهیدی، خلیل بن احمد، بی‌تا، ***کتاب العین***، قم، هجرت، چ ۲.
ـ فیومی، احمد بن محمد، بی‌تا، ***المصباح المنیر***، قم، دار الهجرة، چ ۲.
ـ قرطبی، محمد بن احمد، ١٣٦٤، ***الجامع لاحکام القرآن***، تهران، ناصر خسرو.
ـ قشیری، عبدالکریم بن هوازن، ۲۰۰۰ م، ***لطائف الاشارات*** (تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم)، تحقیق ابراهیم بسیونی، قاهره، الهیئة المصریة العامة للکتاب، چ ۳.
ـ قمی، علی بن ابراهیم، ١٣٦٧، ***تفسیر علی بن ابراهیم القمی***، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب، چ ٤.
ـ کاشانی، فتح‌الله، بی‌تا، ***منهج الصادقین فی الزام المخالفین***، تهران، کتابفروش اسلامیه.
ـ کشی، ابوعمرو محمد بن عمر بن العبدالعزیز، ۱۳۸۹، ***رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)***، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
ـ کلینی، محمد بن یعقوب، ١٤٠٧ ق، ***الکافی***، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ ٤.
ـ ماتریدی، محمد بن محمد، ١٤٢٦ ق، ***تأویلات اهل السنة***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
ـ ماوردی، علی بن محمد، بی‌تا، ***النکت و العیون***، تعلیق سید بن عبدالمقصود عبدالرحیم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
ـ مصطفوی، حسن، بی‌تا، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، بیروت، قاهره و لندن، دار الکتب العلمیة و مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چ ۳.
ـ مغنیه، محمدجواد، ١٤٢٤ ق، ***التفسیر الکاشف***، قم، دار الکتاب الاسلامی.
ـ مفید، محمد بن محمد، ١٤١٣ ق، ***الإفصاح فی الإمامة***، قم، کنگره شیخ مفید.